

سلامت آمریکایی، سلامت ایرانی

این یادداشت را که خواندم به عنوان یک پزشک ایرانی که هم مدیر اورژانس است و هم گاهی به عنوان یک نویسنده همکار در حوزه تخصصی در رسانه‌ها حضور دارم، یکه خوردم! از یک طرف مطلب ترجمه‌شده خبرگزاری فارس و دیگر سسو حقیقت تلخی که این روزنامه‌نگار آمریکایی هفته قبل منتشر کرده است. حالا نگارنده در خاورمیانه با فرسنگ‌ها فاصله از آمریکا، مخاطبان را در مقام مقایسه به اندکی تفکر دعوت می‌کنم. برای ارانه این صورت‌حساب مقدمه‌ای کوتاه را به عنوان یک خبر خوب برایتان نقل می‌کنم:

از سال ۱۳۹۴ در ۵۰ مرکز-ایران و ازجمله بیمارستان سینا که در آن حضور دارم، کدی تعریف شد تحت عنوان ۲۴۷ که مخصوص بیمارانی است که وقتی کارشناسان اورژانس بالای سرش می‌رسند علائم در معرض سکنه قلبی را روی نوار قلب او ملاحظه می‌کنند. در این لحظه نوار قلب هم‌زمان برای پزشک آنکال قلب ما هم ارسال شده و اگر او تشخیص در معرض سکنه قلبی بدهد، هم‌زمان با حرکت آمبولانس از منزل یا محل بیمار، متخصص هم از منزل راه می‌افتد. هم‌زمان به بیمارستان هم اعلام‌کد ۲۴۷ (یعنی ۲۴ ساعت شبانه‌روز و هفت روز هفته در خدمتیم) می‌شود و کتلب بیمارستان (جایی که با دستگاه‌های پیشرفته بیمار را آنژیوگرافی می‌کنند) با کلیه پرسنل، داروهای مورد نیاز و دستگاه‌های روشن آماده تحویل بیمار می‌شوند. آمبولانس یک‌راست به کتلب می‌رود و پزشک اقدام به بازکردن رگی می‌کند که اگر دقایقی دیگر طول بکشد منجر به سکنه قلبی و مرگ احتمالی بیمار می‌شود. همه این کارها در کمتر از یک ساعت انجام و پس از آن بیمار با کمترین عارضه روانه سی‌سی‌وی شده و بعدا با پای خودش ترخیص می‌شود. ۹۷ درصد بیمارانی که از سال ۹۴ تا‌به‌حال به این طریق وارد بیمارستان شده‌اند شفا یافته و به منزل بازگشته‌اند.

صورت‌حسابی که در بیمارستان‌های ایران برای این بیمار صادر می‌شود با تمام خدماتی که داده می‌شود، زیر ۷۰۰ میلیون تومان است که از این عدد ۲۶۰۰ هزار تومان نصیب متخصصی می‌شود که وقت و بی‌وقت چون تلفن همراهش باید روشن و آماده به رکاب باشد، استرس این درمان را به جان و دل بخرد. نکته تلخ و زنگنه‌ای هم در این میان وجود دارد که مبلغ ۶۰۰ هزار تومان سهم پزشک با توجه به اینکه اغلب بیماران بیمه هستند، در بهتری‌ن شرایط ۳۶۰۰ ماه و در بدترین شرایط ۲۴ ماه بعد از عمل بیمار پرداخت می‌شود. (گاهی پرداخت وقتی صورت می‌گیرد که پزشک فوت شده است و باید به وراث منتقل شود) قابل توجه اینکه مالیات این‌ن عدد به‌صورت پلکانی همان زمان کسر می‌شود؛ یعنی اگر پزشک متخصص هیئت علمی باشد، سهم پزشک حدود دو میلیون تومان می‌شود که با مالیات پلکانی کمتر از ۴۰ درصد یعنی همان ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار پرداخت که نه به حسابین نوشته می‌شود تا صبح دولتش بدمد!

حالا این شما و این مقایسه پزشکان آمریکا و فرزندان نخبه ایران! اگر با سلامت این دیار بخوایم به روش خنک مالیاتی خراج بستانیم، آرام‌آرام صورت‌حساب‌های ایرانی هم به سمت صورت‌حساب‌های آن طرف آبی نزدیک می‌شود. مردم در حال حاضر اغلب بیمه همگانی سلامت هستند یا بیمه تأمین اجتماعی و... و آنها که وضع مناسب‌تری دارند بیمه تکمیلی هم دارند. هر ایرانی مجبور پرداخت بیشتر ماهانه! قابل توجهی از درآمد خود را تقدیم بیمه‌های مادر و تکمیلی کند. هر قدر هزینه‌های درمانی بالا رود، مردم مجبورند از جیب خود درصد افزایشی آن را پرداخت کنند. در روایت مرد آمریکایی معلوم بود از بیمه مناسبی برخوردار است، بیمه مناسب یعنی پرداخت بیشتر ماهانه! به عبارت بهتر مردم از یک سو و درمانگران از دیگر سو مجبورند از جیب خود پرداخت کنند تا صنعت بیمه رونق داشته باشد. بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از یک سو و مردم از دیگر سو روز به روز فقیرتر می‌شوند تا صنعت بیمه زنده بماند. همین امروز من که خود پزشک‌م و دست‌آستانی به بیمارستان‌های خصوصی دارم و البته بیمه تکمیلی هم دارم، به دلیل هزینه‌های فاحش بخش خصوصی و دولتی جرئت دریافت خدمت در بخش خصوصی را ندارم چراکه همه بیمه‌ها به هر طریق ممکن درج‌بندند هزینه‌ها بر گردن بیمار بیفتد. هزینه‌هایی هم که بیمه‌ها موظف به پرداختش هستند را بین شش تا ۲۴ ماه بعد می‌پردازند تا کمتر ضرر کرده و چه بسا از پول انباشته نیز در مهدستی با سیستم بانکی روغنی به دست آید! مثل این است که برویم رستوران، یک غذای خوب بخوریم، ۱۰ درصدش را نقد بدهیم و ۹۰ درصد بقی‌مانده را یک سال بعد بپردازیم! کدام رستوران با این وضع قادر به ادامه کار است در حالی که مجبور است همه چیزش را در بازار نقد بخرد؟! چرا مراکز درمانی همچنان زنده‌اند؟ درست حدس زدید، با پول نقد ۱۰ درصد بیماران و ۴۰ درصد عدم دریافتی کادر درمانی و به‌کارهای‌های حجیم به صنعت دارو و تجهیزات! روزی این نخ پاره خواهد شد!

شرق: علی ساری، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، خبر داده که مجلس کارگروه ویژه‌ای برای بررسی افزایش حقوق کارگران تشکیل داده است. آن‌طورکه او اعلام کرده، قرار است مجلس در این کارگروه به‌طور واقعی وضعیت معیشتی کارگران را بررسی کند. اطلاعات دقیقی از نحوه شکل‌گیری این کارگروه، اعضا و هدف تشکیل آن در دسترس نیست، اما با توجه به اینکه حقوق و دستمزد کارگران در شورای عالی کار تعیین می‌شود، سؤال‌هایی را در زمینه تشکیل این کارگروه به موازات شورای عالی کار در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. نمایندگان کارگری هم به تشکیل این کارگروه خوش بین نیستند و تصمیم مجلس برای ورود به مسئله حقوق کارگران را اقدامی نمایشی در آستانه انتخابات مجلس توصیف می‌کنند.

براساس گزارش خبرگزاری تسنیم، علی ساری، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی از تشکیل کارگروه ویژه بررسی حقوق و دستمزد کارگران خبر می‌دهد. او می‌گوید: دولت باید میزان افزایش حقوق و دستمزد کارگران را در لایحه بودجه پیش‌بینی کند تا نمایندگان مجلس به آن آری دهند. آن‌طورکه ساری عنوان می‌کند: قرار است در این کارگروه به‌طور واقعی وضعیت معیشتی کارگران را بررسی کنیم و رقم واقعی را به دولت برای افزایش حقوق کارگران در سال آینده دهیم.

به اعتقاد او حداقل حقوق کارگران در سال آینده باید متناسب با افزایش حقوق کارمندان دولت و حدود ۴۰ درصد افزایش یابد.

تلاش خبرنگار «شرق» برای دستیابی به اطلاعات بیشتر درباره مشخصات کارگروه تشکیل‌شده در مجلس در تماس با علی ساری بدون پاسخ باقی می‌ماند و نمی‌دانیم چه کسانی عضو این کارگروه هستند و اهداف دیگر تشکیل این کارگروه چیست، اما نمایندگان کارگری به تشکیل این کارگروه خوش‌بین نیستند.

مجلس نمی‌خواهد به نفع طبقه کارگر کار کند

فریبرز رئیس‌دانا، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره دلایل تشکیل این کارگروه در مجلس عنوان می‌کند: من هم اطلاعاتی از این کارگروه، محتوای آن، مکانیسم، کار، سیاست‌ها و اهدافشان ندارم اما با توجه به شرایط مجلس و شناختی که به‌ویژه در یکی، دو ماه اخیر پیدا کردم، هیچ کاری نمی‌تواند و نه می‌خواهد به نفع طبقه کارگر انجام دهد. کلیت این مجلس امتحانش را در مسئله بنزین پس داد زیرا ۲۲۲ تا ۲۲۳ نفر از نمایندگان همین مجلس برای انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند.

او می‌گوید: این مجلس نمی‌تواند حداقل دستمزد را بالا ببرد، زیرا در درجه اول نمی‌خواهد و تحت تأثیر خواست و اراده مردم نیست، حتی اگر

مجلس برای بررسی افزایش حقوق کارگران در سال ۹۹ کارگروه ویژه تشکیل داد

تبلیغ انتخاباتی با دستمزد کارگران



علی ساری، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی

دلسوزی‌هایی هم از مجلس دیده شود؛ مثل رفتاری که پروانه سلحشوری داشت. چنین نمونه‌ای بعضی از کنش‌ها یا واکنش‌هایی که آقای صادقی دارد، قابل فهم و درخور تقدیر نیست، ولی این بسیار استثنائی است. از سوی دیگر خودش توسط شورای نگهبان باید تأیید صلاحیت شود.

به گفته رئیس‌دانا، برای اینکه طبقه کارگر به حداقل دستمزد مورد نیاز برای زنده‌ماندن برسد و برای اینکه از فقر فقر کمی بالاتر بیاید، به شکل نیاز است. مجلس باید از این تشکله‌ها الهام بگیرد نه اینکه دم انتخابات صحبت می‌کند که ۴۰ درصد حقوق کارگران را بالا می‌بریم. حداقل دستمزد درحال‌حاضر یک‌ونیم میلیون تومان است، باید این عدد برای یک خانواده سه‌ونیم نفری به نزدیک چهار میلیون تومان برسد، ۶۰ درصد هم به آن اضافه شود و بی‌کاری‌ها موجب نشود در بازار کار این قیمت‌ها بشکند، زیرا بی کاری باعث می‌شود رقابت بین کارگران در بگیرد و معیشت خانواده آنها را از تن‌دادن به حقوق حقه خود گریزان می‌کند. به‌ویژه وقتی تشکل مستقل کارگری نیست و شش میلیون بی‌کار داریم، شرایط بغرنج‌تر می‌شود. خانه کارگر نهادهی است که به معنای واقعی اگر رأی‌گیری کند، پنج تا شش درصد کارگران به آن رای نمی‌دهند و اگر رای می‌دهند، روی رودریاستی یا نگرش قبیله‌گرایانه است که به او دارند.

او تأکید می‌کند: در سرزمینی که تشکل نیست، حق اعتراض نیست، کارگران به‌خاطر اعتراض در معرض برخورد قرار می‌گیرند، توبیخ می‌شوند، مجلس چه کاری می‌تواند انجام دهد. این کار مجلس ظاهرسازی است و به درد طبقه کارکر نمی‌خورد. توصیه من به کارگران این است که به این مجلس و بازی و صف‌آرایی چنجی که در ایران شکل گرفته است، دل نبندند.



نهاد نظارت بر حرفه حسابرسی، حراست از منافع عمومی

بر مؤسسات حسابرسی اعمال کنند. همچنین به هیئت‌های یادشده این قدرت داده شده است که در صورت تحقق با عدم کاربرد صحیح استانداردهای حرفه‌ای برای حسابرسی توسط مؤسسات حسابرسی، بهترین اقدام انضباطی را درباره آنها اعمال کنند.

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت با مشخص شدن نارسایی‌های خودانتظامی (از جمله رسوایی‌های بزرگ مالی ابتدای قرن بیست‌ویکم) و به‌دنبال آن افزایش انتظارات نسبت به کیفیت حسابرسی و کاهش اعتماد عمومی به حرفه، در بسیاری از کشورها قوانینی برای خارج‌کردن انتظام‌بخشی به حرفه حسابرسی از حالت خودانتظام، وضع و اجرا شده است، به‌طوری‌که در بیش از ۵۰ کشور دنیا سازمان‌های دولتی برای نظارت مستقیم یا غیرمستقیم بر حرفه حسابرسی ایجاد شد. همان‌طورکه اشاره شد، تاکنون در بیش از ۵۰ کشور و منطقه جغرافیایی در جهان که بخش اعظم اقتصاد جهانی را شکل می‌دهند، خودانتظامی حرفه حسابرسی توسط انجمن‌های حرفه‌ای را کافی ندانسته‌اند و با تشکیل نهادهای دولتی مستقل از حرفه، نظارت بر حرفه حسابرسی شامل تأیید حسابرسان و مؤسسات، کنترل کیفیت، اقدامات انضباطی و بعضاً تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی را انجام می‌دهند. این کشورها شامل آمریکا، ژاپن، آلمان، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، برزیل، کانادا، کره، استرالیا، و... می‌شود که بخش عمده اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهند. در بیشتر کشورهای یادشده، اعضای هیئت راهبری نهاد نظارتی نه‌تنها مجاز به اشتغال در حرفه نیستند، بلکه عضو جوامع حرفه‌ای آن کشور هم نباید باشند. دلیل این موضوع حفظ استقلال هرچه بیشتر اعضای نهاد ناظر از حرفه است. در برخی کشورها مانند آمریکا، کانادا، فرانسه، ایرلند، ژاپن، مالزی و سنگاپور اعضای حرفه‌ای می‌توانند در ترکیب هیئت راهبری نهاد نظارتی حضور داشته باشند اما درصد این اعضا در هیچ کشوری قابل ملاحظه نیست. انتخاب اعضا در عموم کشورها را دولت انجام می‌دهد و این فرایند در هیچ کشوری متأثر از حرفه و افراد حرفه‌ای نیست.

در ایران تا پیش از سال ۱۳۷۸ سازوکار مشخصی برای نظارت بر حسابرسان وجود نداشت. در این سال جامعه حسابداران رسمی به منظور تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی در کشور و نظارت حرفه‌ای بر حسابداران رسمی تأسیس شد. طبق اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران، شورای عالی، هیئت‌مدیره و هیئت عالی نظارت ارکان اصلی آن محسوب می‌شوند. در عمل شرایط و هیئت‌مدیره، هیئت راهبری جامعه هستند و هیئت عالی نظارت بر این دو رکن نظارت می‌کند. اعضای شورای عالی از میان اعضای جامعه توسط اعضا انتخاب می‌شوند (البته رئیس هیئت عالی نظارت با یکی از اعضای هیئت یادشده به همراه سه نفر به نمایندگی از دولت بدون حق رای در جلسات شورای‌عالی جامعه شرکت می‌کند). اعضای هیئت‌مدیره نیز از بین اعضای جامعه توسط شورای‌عالی انتخاب و با حکم رئیس این شورا منصوب می‌شوند. هیئت عالی نظارت تنها رکن

اقتصاد

مجلس برای بررسی افزایش حقوق کارگران در سال ۹۹ کارگروه ویژه تشکیل داد

آن را بدانند. او با اشاره به تصمیم‌سازی برای حقوق کارگران در شورای عالی کار بیان می‌کند: دلیل عدم تحقق سه‌جانبه‌گرایی رد این شورا این است که تعداد آرای نمایندگان کارفرمایان دولتی و خصوصی از کارگران بیشتر است و کارگران یک‌سوم آرا را در اختیار دارند. او تأکید می‌کند: وقتی اکثریت شورا نمایندگان سرمایه‌داری هستند، یعنی این نهاد بورژوازی است. مجلس به طریق اولی نهاد بورژوازی است. این مجلس در اساسی‌ترین مسئله مملکت یعنی تغییر نرخ بنزین جرئت نکرده است که بگوید در رأس امور هستم؛ حالا چه شده است که می‌خواهد در این زمینه وارد شود و پیشاپیش عدد ۴۰ درصد را برای افزایش حقوق کارگران اعلام کرده است. این مسئله جای تردید دارد.

اقدام تبلیغاتی نزدیک انتخابات

اکبری می‌گوید: مبنای تعیین این ۴۰ درصد چیست. وقتی حداقل دستمزد کنونی چهاربرابر کمتر از نرخ خط فقر است، این ۴۰ درصد چه تأثیری در شرایط زندگی خانوارهای کارگری می‌گذارد. گیریم که فراتر از ۴۰ درصد افزایش حقوق داشته باشیم، وقتی شما در روابط کار هیچ‌گونه ضمان اجرایی ندارید، تشکلهای کارگری به کل در تمام کارخانه‌های کشور فاقد توانایی‌های لازم هستند؛ زیرا با راسا ساخته شده‌اند، وزارت کار یا بیمه که متولی بازرسی از محیط کار است، بازرسی انجام نمی‌دهد و اراده جمعی کارگران نمی‌تواند نظارت کند که آیا این حقوق پرداخت می‌شود یا نه؛ افزایش حقوق چه فایده‌ای دارد.

او اضافه می‌کند: احتمالاً این اقدام مجلس در راستای تبلیغات نزدیک انتخابات است. سال گذشته حداقل دستمزد تعیین‌شده حتی اسفند هم تعیین تکلیف نشد و در فورردین با تغییر حقوق، بلافاصله قیمت‌ها به شکل سرسام‌آوری بالا رفت اما از آن زمان تاکنون، شورای عالی کار حاضر نشده است جلسه‌ای برای ترمیم حقوق کارگران متناسب با شرایط توام بگذارد.

این فورال کارگری می‌گوید: چگونه ممکن است وقتی سازوکارهای قانونی اجرایی نمی‌شود، یک‌باره مجلس که خودش در خیلی از موارد مشکل دارد، به دنبال ایجاد کارگروه می‌افتد؟ او یادآور می‌شود: این کارگروه قدرت تصویب قانون ندارد. اگر تشکیل این کارگروه بر اساس آیین‌نامه‌های مجلس است، چرا تاکنون از آن استفاده نکرده‌ایم و اگر امکان به وجود آمدن آن وجود داشته است، مجلس چرا تاکنون از عمل به آن سر باز زده است. با به دلایل گوناگون ازجمله شرایط انتخابات و شرایط اسفناک کارگران، می‌خواهند به ظاهر امتیازاتی بدهند یا به هر دلیل دیگری وارد تشکیل این کارگروه شده‌اند.

جامعه است که توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی از میان حسابداران رسمی عضو جامعه تعیین می‌شود. بنابراین، با توجه به فرایند گزینش اعضای این ارکان، می‌توان دو رکن اول جامعه حسابداران رسمی (شورای عالی و هیئت‌مدیره) و رکن سوم آن (هیئت عالی نظارت) را حرفه‌ای- عمومی دانست. به طور خلاصه، تمامی اعضای ارکان اصلی جامعه از بین اعضای جامعه انتخاب می‌شوند که بر اساس تجربه سایر کشورها فاقد استقلال کافی برای نظارت بر حرفه هستند. حال این پرسش مطرح می‌شود که در زمانی که تقریباً در بیشتر کشورها دوران خودانتظامی به‌سر آمده است، حرفه حسابرسی در ایران باید به سمت خودانتظامی صرف حرکت کند و به دنبال کاهش نظارت دولت باشد یا باید مانند سایر کشورها با تجدیدنظر در قوانین و مقررات، نظارت دولت بر این حرفه تقویت شود؟

اصولاً طرفداران نظارت بر بازار بر این عقیده‌اند که به دلیل شکست بازار، نظارت در جهت منافع عمومی است و می‌تواند رفاه عمومی را افزایش دهد. نقش دولت در فرایند انتظام‌بخشی به حرفه حسابرسی نیز کسب اطمینان از دستیابی به اهداف مقررات حرفه در جهت منافع عمومی است. نظارت جزئی از انتظام‌بخشی است که ممکن است توسط یک سازمان حرفه‌ای یا یک سازمان عمومی انجام شود. این بخش از فرایند انتظام‌بخشی به دنبال رسوایی‌های رخ داده در دهه گذشته، در بسیاری از کشورها در کانون توجه قرار گرفته و سعی شده است به نحوی این بخش تقویت شود. به بیان دیگر، برقراری نظارت دولتی بر حرفه حسابرسی در بسیاری از بزرگ‌ترین اقتصادهای آزاد دنیا نشانگر این موضوع است که نظارت در قالب خودانتظامی صرف، با شکست مواجه شده و حمایت از منافع عمومی، وجود نظارت دولتی را توجیه می‌کند. اگرچه در برخی از کشورها (مانند آمریکا) نظارت دولتی تنها بر حسابرسان شرکت‌های سهامی عام وجود دارد، اما در کشورهای دیگر (مانند ژاپن) تمامی مؤسسات حسابرسی تحت نظارت دولتی قرار دارند. از آنجا که هرکدام از شیوه‌های انتظام‌بخشی به جنبه‌ای نقاط ضعف و قوتی دارند، تقویت هم‌زمان بُعد حرفه‌ای و دولتی نظارت راهکاری است که می‌تواند ضمن افزایش منافع عمومی، منافع حرفه را نیز به دنبال داشته باشد. بنابراین بهتر است از تجربه دیگر کشورها در مورد پیامدهای نبود نظارت دولتی درس گرفته شود و به‌جای تلاش برای کمرنگکردن نظارت دولتی بر حرفه حسابرسی، تلاش‌هایی در جهت تقویت هر دو بُعد نظارت (حرفه‌ای و دولتی) انجام شود. به بیان دیگر، این دو بُعد نظارت، رقیب یکدیگر نیستند، بلکه مکمل هم هستند و باید برای رسیدن به اهداف اصلی انتظام‌بخشی که بهبود کیفیت حسابرسی و حمایت از منافع عمومی است، به هر دو بُعد به میزان کافی توجه شود. در حقیقت، کمرنگکردن نظارت دولتی بر حرفه حسابرسی، نه‌تنها در جهت منافع عمومی نیست، بلکه در بلندمدت از طریق کاهش سطح اعتماد عمومی به حرفه، کاهش منافع اعضا را نیز در پی خواهد داشت.

خبر

سفرهای غیرضروری شرکت‌های دولتی ممنوع شد

● معاون اول رئیس‌جمهور با صدور بخش‌نامه‌ای اعلام کرد: انجام هرگونه هزینه‌های زائد، تشریفاتی و غیرضرور ازجمله سفرهای غیرضروری از محل اعتبارات شرکت‌های دولتی ممنوع است. به گزارش فارس، اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور، در بخش‌نامه‌ای از کاهش هزینه‌های غیرضرور در شرکت‌های دولتی خبر داد. در این‌ن نامه مورخ ۱۹ آذر آمده است: به منظور صرفه‌جویی و انضباط مالی بیشتر و در راستای بند (۱۶) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند (۲۱) سیاست‌های کلی نظام اداری مبنی بر صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور از طریق حذف هزینه‌های زائد و در اجرای قانون نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیرضرور و جلوگیری از تجمل‌گرایی مصوب ۱۳۷۰، انجام هرگونه هزینه‌های زائد، تشریفاتی و غیرضرور ازجمله سفرهای غیرضروری از محل اعتبارات شرکت‌های دولتی ممنوع بوده و تخلف از آن به موجب ماده (۳) قانون یادشده در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محسوب و طبق قوانین و مقررات مربوط رسیدگی خواهد شد.

خبر ویژه

کروز قطعات های تک الکترونیکی را داخلی سازی کرد

● یکی از چالش‌های اصلی این روزه‌های صنعت خودرو، مشکلات ناشی از تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی است که به دلیل وابستگی صنعت خودرو به واردات قطعات و ارز دولتی، تولید را با شوک مواجه کرد و سبب انباشت خودروها در کف کارخانه‌ها شد. در قدم اول قطعه‌سازان به دلیل عدم همکاری شرکای خارجی و واردات قطعات به فکر چاره افتادند و تنها راه گذر از این شرایط سخت سلطه بر صنعت خودرو را داخلی‌سازی قطعات‌های تک دانستند، در همین راستا مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت و قطعه‌سازان کوچک و بزرگ با همکاری یکدیگر میزهای تخصصی تشکیل دادند تا داخل را برقرار کردند تا قطعات‌های‌تک (High Tech) که روزی انتظار نمی‌رفت در کشور تولید شوند، هدف اصلی داخلی‌سازی قرار گیرند. شرکت صنایع تولیدی کروز نیز به‌عنوان پیشگاز در امر داخلی‌سازی قطعات‌های‌تک (High Tech)، این تحریم‌ها را برای خود به یک فرصت تبدیل کرده و در این زمینه نتایج چشمگیری به دست آورده است. نادر سخا، مدیرعامل شرکت صنایع تولیدی کروز در خصوص فرایند قطعات‌های‌تک گفت: بعضی قطعات با فناوری پایین (low Tech) هستند که به دانش زیادی نیاز ندارند، مانند قطعات ساده فلزی و... بخش دوم قطعات مربوط به فناوری متوسط (Medium Tech) و دسته سوم قطعات با فناوری بالا (High Tech) بوده که نیازمند تکنولوژی و دانش فنی و ساخت آنها در ایران بسیار هزینه‌بر است. بیشتر قطعات مورد استفاده در بخش الکترونیک خودرو های‌تک (High Tech) محسوب می‌شوند؛ چراکه هرکدام دارای یک پردازنده هستند که روی آنها یک نرم‌افزار پیاده می‌شود و توانایی لازم برای کارکردن در سیستم‌های پیچیده را دارند. او افزود: طبق فرمایشات مقام معظم رهبری در جنگ اقتصادی کنونی اگر ملت ایران، فعالان اقتصادی و اندیشمندان کشور بتوانند با تکیه بر توان داخلی تحریم‌ها را بی‌اثر کنند، عامل تحریم‌کننده نیز از ادامه تحریم‌ها دست خواهد برداشت؛ چراکه متضرر خواهد شد. سخا با این خرسندی از پیشرفت داخلی‌سازی قطعات‌های‌تک (High Tech) از خودروسازان درخواست کرد که با اتمام تحریم‌ها دوباره استفاده از قطعات وارداتی رونق پیدا نکند و اکنون که قطع همکاری با شرکای خارجی سبب بومی‌سازی قطعات توسط قطعه‌سازان درون‌مرزی شده است، حمایت از آنان به فراموشی سپرده نشود. مدیرعامل کروز با اشاره به مهم‌بودن کیفیت قطعه در کنار داخلی‌سازی آن گفت: در زمینه خودرو باید قطعاتی را به مشتری تحویل دهیم که حدود ۲۰ سال روی خودرو کار کند و در این امر کاراتی لازم به مشتری ارائه شود، خوشبختانه کروز در همه زمان کیفیت را اساس کار خود قرار داده و قطعات تولیدشده ضمانت لازم را دارند. او افزود: در دیگر سیستم‌های پردازنده تولید می‌شود که آماده عرضه به بازار است، می‌توان به آنتی‌تِرپ یا سامانه ایمنی ضد مانع اشاره کرد که جدیدترین تکنولوژی در دنیا محسوب می‌شود و از خطرات ناشی از به‌دام‌افتادن اعضای بدن هنگام بالارفتن شیشه‌های خودرو جلوگیری می‌کند. کروز این سیستم را که کمترین هزینه داخلی‌سازی کرده و چنانچه شیشه هنگام بالارفتن مانعی بر خورد کند، متوقف شده و سپس در جهت عکس حرکت می‌کند. او در پایان ضمن تأکید بر حمایت دولت و ارکان تصمیم‌گیر جامعه برای تحقق برنامه‌های داخلی‌سازی قطعات‌های‌تک (High Tech) گفت: فراموش‌کردن نقش بالای قطعه‌سازان در تولید خودرو به‌عنوان محصول نهایی می‌تواند زیان‌بار باشد و به همین دلیل حمایت و پشتیبانی مالی و معنوی دولت و سه قوه از قطعه‌سازان باید صورت گیرد تا با کمک آنان خودروسازان سرپا نگه‌داشته شوند و بتوانیم با داخلی‌سازی قطعات مورد نیاز، خودروهای جدید را مطابق با تکنولوژی روز تولید کنیم.